

Tuesday, August 06, 2019
10:24 AM

جایگاه «هجرت» از نگاه قرآن کریم

حسین کریمی*

چکیده

این نوشتار درصدد بررسی جایگاه «هجرت» از نگاه قرآن کریم است. پدیده «هجرت» در قرآن و روایات جایگاه ویژه‌ای دارد. نگارنده در این مقاله به بیان مطالبی همچون مفهوم‌شناسی «هجرت» به عنوان یکی از دستورات اسلامی پرداخته است. قرآن ترک‌کنندگان هجرت را توبیخ نموده است و به پاداش و اجر مهاجران اعم از معنوی و مادی پرداخته است. در ضمن، شرایط مهاجرت را مانند امام‌شناسی، انتخاب مکان مناسب، صبر و توکل، حفاظت از دین، دوری از محیط گناه و ... بیان نموده است. همچنین نمونه‌هایی از مهاجرت پیامبران الهی را در قرآن کریم مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر مسلمانان و دستاورد هجرت آنان را ذکر نموده است. نتیجه آنکه بررسی موارد مذکور اهمیت هجرت از نگاه قرآن کریم را بیان می‌کند.

کلید واژه‌ها: قرآن، هجرت، جایگاه، مهاجران، پاداش.

* دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس

تبیین مسئله

یکی از مفاهیمی که از نگاه ارزشی در قرآن کریم و آموزه‌های دینی به صورت وسیعی انعکاس یافته، موضوع هجرت است. قرآن کریم در ۲۴ مورد از هجرت سخن به میان آورده است. پرداختن به این مسئله با ذکر تعابیر مختلفی مانند «مهاجرأ»، «مَنْ يُهَاجِرْ»، «مَنْ هَاجَرَ» و «الَّذِينَ هَاجَرُوا» انجام شده است. همچنین در احادیث و روایات اسلامی به مسئله هجرت پرداخته شده و با اهمیت خاصی تلقی شده است. مانند «کسی که در حال هجرت برای خدا از دنیا برود، روز رستاخیز با اصحاب بدر محشور خواهد شد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۴۸)

در حقیقت روح هجرت فرار از ظلمت به سوی نور، از کفر به سوی ایمان و از گناه و نافرمانی به سوی اطاعت از فرمان خداست. مقصود از آن، همان طوری که بیان می‌شود، حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر برای نجات ایمان و عقیده است، نه کسب ثروت و مقام. بر اساس دستورات الهی اگر شرایط به انسان اجازه نمی‌دهد اعمال دینی‌اش را در محیطی که ساکن است، انجام دهد، باید به محیط دیگر هجرت کند.

پیشینه تحقیق

اگر چه در این موضوع، پیشینه تحقیق بسیار کم است و مباحثی پراکنده در کتبی مانند «فروغ ابدیت»، نوشته استاد جعفر سبحانی و یا کتاب «هجرت و جهاد»، نوشته استاد مطهری و دیگران آمده است. گفتنی است در خصوص «هجرت» در قرآن و مهاجران نمونه، تحقیق کاملی انجام نگرفته است. در میان آثاری که به زبان عربی است تا حدی به این موضوع پرداخته شده است. احزومی سامعون جذولی در کتاب «الهجرة فی القرآن الکریم» که در سال ۱۴۱۷ هـ منتشر شده است، به بیان مفهوم قرآنی هجرت پرداخته و هجرت انبیاء را به عنوان نمودهایی از هجرت در امت‌های گذشته بیان کرده است و آیات مربوطه را با استفاده از کتب تفسیری، توضیح داده است. این نویسنده قسمتی از کتاب را به بیان تاریخی هجرت رسول اکرم، و صحابه ایشان اختصاص داده است.

مفهوم‌شناسی

راغب گوید: هجر و هجران آن است که انسان از دیگری جدا شود و او را ترک کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ۸۳۳) و اصل مهاجرت به معنای متارکه و دور شدن از غیر است. (قرشی، ۱۳۸۴، ج ۷: ۱۳۸۴)

هجرت گاهی با بدن: «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء: ۳۴)، یا با زبان و قلب: «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان: ۳۰) و گاهی بریدن از غیر با بدن، زبان و قلب است: «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمّل: ۱۰)

در عرف قرآن به اصطلاح دینی، هجرت کردن از محلی به محلّ دیگر است. مثل هجرت کردن از سرزمین کفر و آمدن به محدوده جغرافیایی مسلمانان و مانند هجرت مسلمانان از مکه به مدینه در صدر اسلام. (قرشی، ۱۳۸۴، ج ۷: ۱۳۹) چنین کسانی به جهت قطع مواصلت و ترک قوم و محلّ شان مهاجر نامیده می‌شوند. علت آمدن باب مفاعله برای آن است که هر یک از مهاجران از همانند و نظیر خودش از وطن و قوم خود بریده و مصاحبت رسول خدا ﷺ را اختیار کرده است. (همان)

«هجرت» یکی از دستورات اسلام

قرآن کریم در بیش از چهارده مورد به زبان‌های مختلف دستور به هجرت داده است. مهاجرت و ترک دیار یکی از صفات بندگان واقعی خداست و یک نوع تکامل و ترقی محسوب می‌شود و در آیات کثیری، قرآن از آن سخن می‌گوید. نه تنها درباره مردان، بلکه درباره زنان نیز آمده است و پاداش مهاجران را بیان نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ؛ أَي كَسَانِي كِه اِيْمَانِ اُورْدِه اِيْد، هِنْگَامِي كِه زَنَان بَا اِيْمَان بِه عِنْوَان هِجْرَت نَزْد شَمَا اِيْنِد، اُنْهَا رَا اَزْمَايش كِنِيْد و خِداوِنْد بِه اِيْمَان شَان اَگَاه تَر اِسْت.» (ممتحنه: ۱۰)

هجرت برای معارف اسلامی

در سوره توبه از هجرت برای کسب معارف یاد شده است: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ پَس چَرَا اَز هَر فِرْقَه اِي از اَنَان د سته اِي كوچ نَمِي كِنْد تَا د سته اِي بَمَانْد و دَر دِيْن اَگَاهِي پِيْدا كِنْد و قَوْم خُود رَا وَقْتِي بِه سُوِي اَنَان بَا ز كَشْتِنْد بِيْم دِهْنْد بَا شُد كِه اَنَان اَز كِيْفِر اِهْمِي بْتَرَسِنْد.» (توبه: ۱۲۲)

آیه فوق با آیات جهاد پیوند دارد، گرچه جهاد و اهمیت آن بسیار زیاد است و تخلف از آن گناه محسوب می‌شود، اما می‌گویند ضرورتی ندارد همه در جهاد شرکت کنند، بلکه لازم است مسلمانان دو گروه شوند، گروهی به جهاد بروند و گروهی در مدینه بمانند و معارف و احکام اسلامی را بیاموزند و پس از فراغت از تحصیل به سوی قوم خود برگردند و آنها را با مسائل اسلامی آشنا سازند. پس آیه دلیل روشنی است که گروهی از هر جامعه‌ای به سوی مراکز علمی هجرت کنند و برای تعلیم و کسب شناخت اسلام، تفقه در دین نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۲۳۹)

توییح ترک‌کنندگان هجرت

گاهی قرآن، زبان به ملامت کسانی که ترک هجرت می‌کنند، می‌گشاید و می‌فرماید: «قَالُوا لَئِمَّ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا! فرشتگان گفتند: مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟» (نساء: ۹۷)

این آیه در واقع سرنوشت دردناک متخلفین از هجرت را بیان می‌کند که آنان در اثر هجرت نکردن و ماندن در بلاد کفر به چه سرنوشت شومی گرفتار شدند. سرانجام هم در بلاد شرک، مأمورین قبض ارواح جان آنها را گرفتند و فرشتگان الهی از آنها سؤال کردند که چرا شما به چنین وضعی گرفتار شدید؟ آنها عذر آوردند که در محیط خود تحت فشار بودیم و قدرت انجام دستورات خدا را نداشتیم. این عذر پذیرفته نمی‌شود. به آنها گفته می‌شود: مگر سرزمین خدا وسیع نبود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۱۵)

علامه طباطبایی می‌گوید: اینها کسانی هستند که بر اثر اعراض از دین خدا و ترک اقامه شعائر الهی به خاطر زندگی کردن در بلاد شرک و کفر مورد ملامت قرار می‌گیرند که در واقع ظلم به نفس می‌کنند. انسان وقتی که در چنین شرایطی قرار گرفت، دیگر راهی ندارد، جز اینکه معارف دین را بیاموزد و بدان عمل کند و وظایف عبودیت را انجام دهد، آن هم ممکن نیست مگر با هجرت و تغییر محیط. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۵: ۷۶)

پاداش مهاجران

۱. برخورداری از مواهب مادی و معنوی

خداوند در بسیاری از آیات، به آثار و برکات هجرت، از نظر مادی و معنوی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ «کسی که در راه خدا هجرت کند، جای امن و فراوان و گسترده در روی زمین می‌یابد و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبرش، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست و خداوند آمرزنده و مهربان است.» (نساء: ۱۰۰)

در این آیه، نخست اشاره به آثار و برکات هجرت در زندگی این جهان نموده و می‌فرماید: مهاجران در راه خدا در این جهان پهناور، نقاط امن فراوان و وسیع پیدا

می‌کنند که می‌توانند در آنجا حق را اجرا کنند و بینی مخالفان را به خاک بمالند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج: ۴، ۱۲۱)

علامه طباطبایی می‌فرماید: معنای آیه شریفه این است که هر کس در راه خدا و طلب خشنودی او هجرت کند و به این منظور از خانه و کاشانه‌اش چشم‌پوشد، خواهد دید که در زمین نقاط بسیاری برای زندگی او هست که هر نقطه‌ای را که موانع نمی‌گذارد، در آنجا دین خدا را اقامه کند، مهاجرت می‌کند به نقطه دیگر. بدین وسیله دماغ آن مانع را به خاک می‌مالد. آن وقت می‌فهمد که زمین خدا وسیع است. (طباطبایی، بی‌تا، ج: ۵، ۸۳)

و سپس بعد معنوی پاداش هجرت را یادآوری می‌کند، کسی که به قصد هجرت به سوی خدا و پیامبر، خارج شود، ولی اجل او فرا رسد، ولو به مقصد نرسد و در سفر بمیرد، اجر و پاداش او با خداست، چون سیر در طریق حق بوده و به ثواب الهی نائل خواهد شد. (طیب، ۱۳۸۷، ج: ۶، ۵۶)

این آیات اختصاص به زمان رسول خدا، و مردم آن زمان ندارد، بلکه در همه زمان‌ها جریان خواهد داشت و هر چند سبب نزولش، مسلمین زمان رسول خداست، ولی این عمومیت و ملاک در همه زمان‌ها حاکم است و بر هر مسلمان واجب است تا حد امکان این ملاک‌ها را به پا دارد و شعار دین را زنده نموده و به آن عمل کند. (طباطبایی، بی‌تا، ج: ۵، ۸۵)

۲. درجه برتر

در آیات دیگری، خداوند پاداش مهاجران را چنین بیان می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ آنانی که ایمان آوردند و هجرت کردند با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند، درجه بزرگ‌تری نزد خداوند دارند و آنها رستگارانند. (توبه: ۲۰)

۳. بخشودگی گناهان

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (بقره: ۲۱۸) چون تعدادی از مؤمنین خالص، این وعده الهی را شنیده‌اند، در راه خدا هجرت و جهاد کردند تا اینکه وعده الهی درباره آنان عملی شد و مشمول مغفرت و رحمت خداوند شدند. (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج: ۱، ۲۲۸)

۴. مقام صدق

«لَلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ این اموال، برای فقیران مهاجر است که از خانه و کاشانه خود دور شدند، در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند، آنها راستگویانند. (حشر: ۸)

۵. بهشت جاودان

«فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»؛ آنها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه خویش بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشایم و آنها را در باغ‌های بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است. (آل عمران: ۱۹۵)

ثواب، اعطای نعمت است در مقابل عملی که از روی اکرام و احترام در آخرت پاداش داده می‌شود. (طیب، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۵۴)

۶. روزی شایسته

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که مهاجران را پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند و برای آنها آموزش و روزی‌های شایسته‌ای است. (انفال: ۷۴)

در جای دیگر، قرآن به آنها وعده رزق حسن می‌دهد: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است. (حج: ۵۸)

شرایط مهاجرت

۱. امام شناسی

مهاجرت از خود شرایط و ویژگی‌هایی دارد. یکی از آنها امامت و ولایت شناسی است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لا يقع اسم المهاجر على احد الا بمعرفة الحجة»

فی الارض فمن عرفها و أمر بها فهو مهاجر»؛ نام مهاجر را نمی‌توان گذاشت جز آنکه حجت خداوند را در روی زمین بشناسد، هر کس او را شناخت، به او اقرار کرد مهاجر است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹)

۲. انتخاب مکان مناسب

حضرت علی علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید: «لیس بلدٌ باحقَّ یک خیر البلاد ما حملک»؛ هیچ شهری برای تو شایسته از شهر دیگری نیست. بهترین شهرها آن شهری است که تو را پذیرا گردد و و سائل پید شرفت تو را فراهم سازد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۲)

۳. صبر و توکل

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَآجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه و مقام خوبی به آنها می‌دهیم و پاداش آخرت از آن هم بزرگ‌تر است. اگر می‌دانستند، آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (نحل: ۴۲-۴۱)

مفسران شأن نزول آیه را درباره گروهی از مسلمانان می‌دانند که بعد از اسلام آوردن در مکه سخت تحت فشار بودند و کفار مکه آنها را از دیار شان خارج کردند. اینان بعد از هجرت پیامبر، به مدینه هجرت کردند. (سیوطی، ۱۴۲۳ ق، ج ۵: ۱۳۱)

در این آیه، دو ویژگی برای مهاجران بیان شده است؛ یکی صبر کردن آنها در راه جهاد با دشمنان و تحمل اذیت در راه خدا و دیگری توکل بر خداوند. هر کس متصف به این صفت باشد یاری خدا هم شامل او خواهد شد. (طوسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸: ۳۵۰)

مسلمانان دو هجرت داشتند؛ هجرت اول در محدوده نسبتاً کوچکی بود که گروهی از مسلمانان در رأس آنها جعفر ابن ابی طالب به حبشه هجرت کردند. هجرت دوم، چنان که بیان خواهد شد، هجرت عمومی و همگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمین از مکه به مدینه بود. ظاهر آیات فوق هجرت دوم را بیان می‌کند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۶۳)

۴. راستگویی و صداقت

یکی دیگر از ویژگی‌های مهاجران، راستگویی و صداقت است. قرآن در این باره چنین می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ این اموال اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند. خواستار فضل خدا و خشنودی او می‌باشند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند، اینان همان مردم راستگو هستند. (حشر: ۸)

۵. دوری از گناه و آلودگی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «المهاجر من هجر ما حرم الله عليه»؛ مهاجر کسی است که از حرام و گناه هجرت کند و دوری گزیند. (ابن اثیر جزری، ۱۹۷۱م، ج ۱: ۱۵۴) از این جهت می‌بینیم که قرآن و روایات، مسئله هجرت را با عنایت خاصی مورد توجه قرار می‌دهد. در روایت دیگری نیز پیامبر، فرمود: «أن تهجر ما کره ربك»؛ آنچه را که خدا آن را دوست نمی‌دارد، ترک کنی. (همان، ج ۱۲: ۳۶۲) در حدیثی، امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «يقول الرجل هاجرت و لم يهاجر إنما المهاجرون الذين يهجعرون السيئات و لم يأتوا بها»؛ مردی می‌گوید از سرزمین شرک به سرزمین اسلام مهاجرت کرده‌ام، نه چنین فردی مهاجرت نکرده است، چون هدف او از مهاجرت که پاک‌ی از گناه است، حاصل نشده است. (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۹۷)

۶. برای حفظ دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «من فرّ بدینه من أرض و ان كان شبراً من الأرض استوجب الجنة»؛ کسی که برای حفظ دین و آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر مهاجرت کند، استحقاق بهشت می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۹: ۳۱) بنابراین آنچه از این حدیث به دست می‌آید این است که مهاجرت برای حفظ دین، ناموس و عقیده و جان، از ارزش خاصی برخوردار است.

مهاجران نمونه

قرآن کریم نمونه‌هایی از مهاجرت بسیاری از پیامبران الهی را نقل می‌کند که در طول عمر شان برای یافتن عرصه‌های جدید دعوت و برای بقای آیین الهی از سرزمینی به سرزمین دیگر هجرت کردند. بازگو نمودن مهاجرت این مردان الهی و برکاتی که به

سفر آنها مترتب می‌شود، مایه درس و عبرت های فراوانی برای دیگران است. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۵) جالب است که در سوره کهف سه داستان نقل شده است که در هر سه داستان، حرکت و هجرت به چشم می‌خورد؛ هجرت اصحاب کهف، هجرت موسی علیه السلام برای دیدار خضر علیه السلام و هجرت ذوالقرنین که اولی هجرت برای حفظ ایمان، دومی برای تحصیل دانش و سومی برای نجات محرومان بود. (قمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۶۹۷) در اینجا نمونه‌هایی از هجرت عینی و عملی آنان را می‌آوریم:

۱. حضرت ابراهیم علیه السلام

چون نمرود وجود حضرت ابراهیم علیه السلام را در کشورش خطر بزرگی دید و دانست که با وجود او نمی‌تواند بر مردم حکومت کند، دستور داد ابراهیم علیه السلام را از حوزه حکومتش بیرون کنند. ابراهیم علیه السلام نیز از سرزمین بابل به سوی شام هجرت کرد. (ندایی، ۱۳۹۰: ۷۸)

ثعلبی چنین نقل می‌کند که در این سفر، لوط علیه السلام نیز همراه عموی خود ابراهیم علیه السلام به طرف شام مهاجرت کرد. (ثعلبی، بی تا، ج ۴: ۲۵۸)

حضرت لوط علیه السلام که هم‌عصر با ابراهیم علیه السلام بود، از جمله کسانی است که با حضرت ابراهیم علیه السلام به طرف فلسطین هجرت کرد، سپس از حضرت ابراهیم علیه السلام جدا شد و به شهر سدوم آمد، چرا که آن نقطه، غرق فساد و گناه، مخصوصاً انحرافات و آلودگی‌های جنسی بود. او برای هدایت قوم خود تلاش بسیار نمود و توانست در دل آنها اثر کمی بگذارد. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۶)

در آیات متعددی از قرآن به هجرت ابراهیم علیه السلام اشاره شده. «فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ پس به او، لوط علیه السلام ایمان آورد و گفت: من به سوی خدای خود مهاجرت می‌کنم و او عزیز و حکیم است. (عنکبوت: ۲۶)

در این آیه، سخن در همراهی لوط علیه السلام با حضرت ابراهیم علیه السلام است. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَتَجِيبَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ»؛ و او و لوط را برای رفتن به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم، رهانیدیم. (انبیاء: ۷۱)

در این آیه نیز از هجرت ابراهیم علیه السلام با لوط علیه السلام سخن می‌گوید. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۹: ۳۸۲)

پادشاه‌های حضرت ابراهیم علیه السلام

بر اساس فرموده قرآن، خداوند در قبال هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام نعمت‌های زیادی به او عطا نموده است. قرآن می‌فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»؛ ما به او اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام را بخشیدیم و در دودمانش نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم. پادشاه او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است. (عنکبوت: ۲۷) در این آیه به برخی از پادشاه‌هایی که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام عطا کرد، اشاره شده است:

۱. دودمان صالح و شایسته؛
 ۲. قرار گرفتن نبوت در ذریه او؛
 ۳. فرستادن کتاب آسمانی بر او؛
 ۴. عنایت نمودن نام نیک و لسان صدق به او در دنیا؛
 ۵. قراردادن از صالحان در آخرت.
- این همه جزو آثار و ثمرات و برکات هجرت ابراهیم علیه السلام و تحمل سختی‌هایی است که در راه مبارزه با شرک دید.

۲. حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام نیز سفرهای متعدد هجرت‌گونه در طول حیات خود انجام داد. اولین هجرت به طرف مصر بود، چرا که درگیری او با یکی از قبطیان که منجر به قتل او گردید، سبب شد تا فرعون حکم اعدام او را صادر کند. در این هنگام یک حادثه غیرمنتظره موسی علیه السلام را از مرگ حتمی نجات داد و آن اینکه مردی از فرعونیان به سرعت خود را به موسی علیه السلام رساند و گفت: ای موسی! از شهر خارج شو! زیرا تصمیم به قتل تو گرفته‌اند و من از خیرخواهان تو هستم. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۶۳)

موسی علیه السلام این خبر را جدی گرفت و از شهر خارج شد، در حالی که خائف و ترسان بود. «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلَقَّاهُ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای بود. عرض کرد: پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی ده. و هنگامی که متوجه جانب مدین شد، گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند. (قصص: ۲۱ و ۲۲)

موسی علیه السلام نیز تصمیم گرفت به سوی سرزمین مدین که شهری در جنوب شام و شمال حجاز و از قلمرو مصر و حکومت فرعون دور بود، هجرت کند. او با سرمایه ایمان و توکل بر خدا تصمیم به هجرت گرفت. (مکارم شیرازی، همان: ۶۵) و شتابان با پای پیاده به سوی مدین روانه شد. سفر دشوار او هشت روز به طول انجامید، تا آنکه به خدمت شعیب رضی الله عنه رسید و مدت ده سال در آنجا ماند. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۶)

پس از این مدت، موسی علیه السلام با شعیب رضی الله عنه خداحافظی نمود. اثاث و گوسفندان خود را جمع کرد و پای در خطرترین عرصه های تبلیغ گذاشت. شبانه با پیروان خود به سوی شام هجرت کرد. بدین ترتیب زندگی آن حضرت با هجرت های متعددی رقم خورده است. در هر یک از آنها نقطه عطفی در حیات آن حضرت و گشودن زمینه ای برای عرصه های جدید در ابلاغ پیام توحید به شمار می رفت. (همان: ۷۷)

در نتیجه، حضرت موسی علیه السلام در دوران جوانی سختی ها و مهاجرت ها و مشکلات زیادی را پشت سر گذاشت تا بتواند در کنار مظلومان علیه مستکبران از جمله فرعون مبارزه کند و خداوند هم اجر و پاداش های زیادی را برای هجرت موسی علیه السلام عطا نمود.

پاداش های هجرت حضرت موسی علیه السلام

در آیات ذیل، به بعضی از پاداش هایی که خداوند به واسطه هجرت حضرت موسی علیه السلام به آن حضرت داد، اشاره شده است.

«قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي»؛ گفت پروردگارا سینه ام را گشاده و کارم را برای من آسان ساز و از زبانم گره بگشای تا سخنم را بفهمند و برای من دستگیری از کسانم قرار ده؛ هارون برادرم را. (طه: ۳۰-۳۵) بر اساس آیات قرآنی پاداش های ذیل به

موسی علیه السلام داده شد:

۱. رسالت و نبوت؛

۲. کلیم شدن؛

۳. آسانی کارها؛

۴. گره گشایی از زبان؛

۵. فصاحت و بلاغت؛

۶. وزارت برادر.

۳. اصحاب کهف

اصحاب کهف با هجرت و دوری از پادشاهی که بسیار ظالم و ستمگر بود و محیطی که مملو از بت‌پرستی و شرک بود، نجات یافتند. پس شش نوجوان نورسیده به اتفاق هم از شهر خارج شدند و به نمازگاهی که داشتند، آمده به تضرع و عبادت مشغول گشتند و می‌گفتند بار خدایا! شر این طاغی را از ما برطرف فرما! سپس جلسه مشورتی تشکیل دادند و رأیشان بر آن شد که در غار کوهی که در آن شهر بود بروند و به مناجات و طاعات مشغول شوند. با این حساب، از آن قوم بت‌پرست کناره‌گیری نمودند و به غار خشک و تاریکی پناه بردند و نام‌شان را در تاریخ جاودانه کردند. از بیان مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان می‌تواند در بدترین شرایط، استقلال فکری خود را حفظ کند و به رفتار محیط هضم نشوند. (کاشانی، ۱۳۴۶، ج ۵: ۳۳۰)

۴. پیغمبر اکرم ﷺ

مسلمانان دو بار هجرت کردند؛ هجرت محدود و هجرت عمومی و همگانی.

الف) هجرت محدود

چون مشرکان مکه دست از اذیت و شکنجه مسلمانان برنداشتند و ادامه این وضع هم برای آنان غیرقابل تحمل بود، لذا تعدادی از مسلمانان به پیشنهاد پیغمبر اکرم، در سال پنجم بعثت به حبشه هجرت کردند. اما دلیل بر اینکه حبشه را برای مهاجرت انتخاب کردند، فرمایش پیامبر، است که فرمود: «اگر به حبشه مهاجرت کنید، آنجا زمامدار نیرومندی دارد که به کسی ظلم نمی‌شود، سرزمین دوستی و پاکی است». بلافاصله بعد از دستور آن حضرت، طبق روایت ام‌سلمه، مسلمانان که تعداد آنها را در مرحله اول ده نفر مرد و چهار زن تشکیل می‌دادند به حبشه مهاجرت کردند که چهره شاخص آنها جعفر بن ابی طالب بود. در مرحله دیگر هم تعدادی مهاجرت کردند که در مجموع مهاجران به ۸۳ نفر رسیدند. (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۴۲)

ثمره و برکات این هجرت بسیار زیاد بود، از جمله آنها اسلام آوردن پادشاه حبشه بود. لذا در سفر بعدی جعفر به حبشه، به فرمان رسول خدا، علناً نجاشی را به اسلام دعوت کرد. شیوه رفتار و گفتار مسلمانان، خصوصاً جعفر بن ابی طالب باعث شد که نجاشی مسلمان شود. منابع تاریخی، مسلمان شدن نجاشی را تأیید نموده‌اند و اظهار می‌دارند پیش از فتح مکه، نجاشی درگذشت و رسول خدا، از مدینه بر او نماز گزارد. لذا هنگام بازگشت جعفر و همراهان، چهل تن از اهل آن کشور که ایمان آورده بودند به همراه جعفر به مدینه آمدند و اسلام خود را بر پیامبر ﷺ عرضه کردند. آنان هنگامی که فقر

مالی مسلمانان را ملاحظه کردند، به رسول خدا ﷺ عرض کردند: ما اموال فراوانی داریم، اگر اجازه فرمایید به کشور خود بازگردیم و اموال خود را همراه بیاوریم ما مسلمانان تقسیم کنیم. پیامبر، نیز اجازه دادند. آنها اموال خود را آورده میان نیازمندان تقسیم کردند. (جعفریان، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۹۱)

ب) هجرت عمومی و همگانی

پس از آنکه سران قریش در «دار الندوة» جمع شدند تا تدبیری را درباره پیامبر اسلام، ببیندیشند و جلوی پیشرفت اسلام را بگیرند، هر کس چیزی می‌گفت که مورد قبول اعضا واقع نشد. ابو جهل گفت: رأی من آن است که از هر قبیله‌ای مرد شمشیرزن و شجاعی را انتخاب کنیم، شبانه به خانه محمد ﷺ که خفته باشد، حمله نموده و کار او را یکسره نماییم. (همدانی، ۱۳۶۰: ۴۶۲)

خداوند پیغمبر خود را از تصمیم قریش مطلع کرد و این آیه شریفه را نازل فرمود: «وَأَذِّمُكَ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَأْكُرِينَ»؛ کافران درباره تو از روی نیرنگ نقشه می‌کشیدند که تو را در بند کشند یا به قتل رسانند و یا از مکه بیرون کنند، آنها مکر نمودند، خداوند نیز مکر آنها را بی اثر گذاشت و خدا بهترین مکرکنندگان است. (انفال: ۳۰)

وقتی پیامبر اکرم، توسط جبرئیل خبردار شد که قریش قصد کشتن او را دارند، شبانه از مکه خارج شد و حضرت علی (ع) را به جای خود گذاشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۹) «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»؛ و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خدا نسبت به این بندگان مهربان است. (بقره: ۲۰۷)

امام علی بن الحسین (ع) ذیل آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ...» فرمودند: این جمله درباره علی (ع) نازل شده است که در شب هجرت در بستر رسول خدا، خوابید. علامه طباطبایی می‌فرماید: روایات از طرق شیعه و سنی بسیار آمده است که آیه نامبرده درباره شب فراش نازل شده است که تفسیر برهان، به پنج طریق آن را از ثعلبی و دیگران نقل کرده است. (موسوی همدانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۴۹)

قرآن از مهاجران یاد شده با عنوان پيشگامان نخستین یاد کرده است، چنانچه که می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ»؛ پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی

از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند.(توبه: ۱۰۰)

به این هجرت مسلمانان که به اتفاق پیامبر، پس از دومین پیمان عقبه صورت گرفت، هجرت ثانیه می‌گویند که شهر یثرب برای مسلمین یک پایگاه مناسبی شده با بیعت کردن قبیله اوس و خزرج با پیامبر، زمینه تشکیل حکومت اسلامی در مدینه فراهم شد که آثار و ثمرات و برکات آن هجرت در تاریخ بی‌نظیر و از اهمیت خاصی برخوردار است.(کمپانی، بی تا: ۲۸۵)

این آثار را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. توسعه اسلام و ازدیاد مسلمانان؛
۲. تشکّل مسلمین؛
۳. ایجاد ارتش اسلام؛
۴. ایجاد مرکز قدرت برای مسلمانان؛
۵. تشکیل حکومت اسلامی در مدینه؛
۶. شکست دشمنان و سرکوب آنها اعم از مشرکین و یهودیان؛
۷. دوری نمودن اسلام از شکل منطقه‌ای و جهانی شدن و عزت آن؛
۸. پیروزی‌های پی‌درپی و فتح مکه؛
۹. فراهم آمدن زمینه تربیت انسان‌هایی چون سلمان، اباذر و

نتیجه

از مطالبی که بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که هجرت یکی از دستورات سازنده اسلام است که از صدر اسلام تاکنون متداول بوده است که در صورت ضرورت با رعایت شرایط و الگوپذیری از مهاجران نمونه، شخص مسلمان می‌تواند از مکانی به مکان دیگر هجرت کند. خداوند برای چنین مهاجرانی پاداش‌های مادی و اخروی را در نظر گرفته و در ضمن ترک‌کنندگان هجرت را ملامت و توبیخ نموده است. یکی از مهم‌ترین و درخشانده‌ترین برنامه‌هایی که در اسلام پیاده شده است، هجرت پیامبر اسلام، از مکه به مدینه بود که سرآغاز فصل نوینی در تاریخ اسلام بود که باعث آثار و برکات فراوانی در طول تاریخ شد. اگر این هجرت نبود، اسلام در محیط خفقان و شرک‌آلود مکه نابود می‌شد. این هجرت بود که به اسلام و مسلمانان جان تازه بخشید و باعث گسترش اسلام در تمام جهان شد. حقیقت این است که مهاجرت به صدر اسلام محدود نمی‌شود و این حرکت تا روز قیامت به عنوان سنتی از سنت‌های الهی ادامه خواهد داشت.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)

- ابن اثیر جزری، مجدالدین (۱۹۷۱م)، جامع الاصول فی احادیث الرسول ﷺ، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۰۳ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الرساله.
- تعلبی، محمد ابن ابراهیم (بی تا)، الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: شیخ سید کسروی حسن.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، سازمان چاپ و انتشارات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر تسنیم، ج ۱، قم: مرکز نشر اسراء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۴)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، الطبعة الخامسة، قم: ذوی القربی.
- سید قطب (۱۴۲۵ ق)، فی ظلال القرآن، الطبعة الشرعیة ۳۵، بیروت: دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر (۱۴۲۳ ق)، تفسیر الدر المنثور، بیروت: دار الفکر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی جامعه المدرسین.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۷)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم: مؤسسه جهانی سیطین.
- عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۸۵)، الصحیح من سیره النبی الاعظم ﷺ، الطبعة الاولى، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
- قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۹)، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ج ۱، تهران: نشر بین الملل.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۵)، تفسیر نور، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۴)، قاموس قرآن، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ ق)، سفینه البحار، الطبعة الاولى، دار الاسوه للطباعة و النشر.

- کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۴۶). تفسیر منهج الصادقین، مقدمه و تصحیح: میرزا ابوالحسن شعرانی، ج ۳، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی‌اکبر و محمد آخوندی، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کمپانی، فضل‌الله (بی‌تا)، رحمت عالمیان، حضرت محمد ﷺ، ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، ج ۳۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۲ ق)، بحارالانوار، ج ۳، بیروت: دار الاحیاء تراث العربی.
- ندایی، فرامرز (۱۳۹۰)، تاریخ انبیاء از آدم ﷺ تا خاتم النبیین ﷺ و زندگانی چهارده معصوم ﷺ، ج ۱، تهران: انتشارات سما.
- همدانی، رفیع‌الدین اسحاق بن محمد (۱۳۶۰)، سیره رسول الله ﷺ، تصحیح: دکتر اصغر مهدوی، ج ۱، تهران: انتشارات خوارزمی.